Theology Journal
Online ISSN: 2783-0667 Print ISSN: 2476-5325
Homepage: pke.journals.miu.ac.ir

A Comparative Analysis of the Components of Faith, Righteous Deeds, and Piety in the Realization of the Pure Life (Ḥayāt Ṭayyibah) in the Qurʾān, with Emphasis on *al-Mīzān* and *Tasnīm* Exegeses

https://doi.org/10.22034/pke.2026.24924.2137

- Fatemeh Yousofipour [1] https://orcid.org/0009-0006-1109-4243
- fatemeh.yoosefi7664@iau.ac.ir
- Muhammad Qasemi [2]

https://orcid.org/0009-0003-5172-0892
dr.gasemi92@iau.ir

- Nafiseh Navid [3]
- .n_navid@iau-tnb.ac.ir

https://orcid.org/0009-0000-1486-3163

[1] Ph.D. Student in Qur'anic Sciences and Hadith, Tehran North Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran.
[2] Assistant professor in the Department of Quranic and Hadith Studies, Islamic Azad University, North Tehran Branch, Iran.
[3] Assistant Professor, Department of Qur'an and Hadith, Faculty of Theology and Islamic Studies, Islamic Azad University, North Tehran Branch, Tehran, Iran.

Pre-final, unedited and Proofreading version

Article Info

Article type:
Research Article

Article history:
Received
Received in revised form
Accepted
Available online

ABSTRACT

The concept of "Ḥayāt Ṭayyibah" (the Pure Life), as the ultimate and ideal model of Qurʾānic life—contingent upon a precise explication of its constituent components within the text of the Holy Qurʾān—has consistently been a focal point for exegetes, particularly contemporary Shiʿa philosophers and commentators. This study aims to comparatively investigate the role of the fundamental components of "faith," "righteous deeds," and "piety" in the realization of the Pure Life by examining and analyzing the views of two prominent exegetes: ʿAllāma Ṭabāṭabāʾī in *Tafsīr al-Mīzān* and Āyatullāh Javādī Āmulī in *Tafsīr Tasnīm*. The research method employed in this article is comparative-analytical, conducted through library-based tools. The findings indicate that in both exegeses, the

Keywords:
Ḥayāt Ṭayyibah (Pure Life),
faith, piety,
righteous deeds,
al-Mīzān, Tasnīm.

Pure Life is not merely a moral metaphor or a deferred reward for the afterlife, but rather an "objective truth and ontological reality" and a new life bestowed upon the believer's soul in this very world. ʿAllāma Ṭabāṭabāʾī in *al-Mīzān* emphasizes the developmental (takwīnī) aspects and the epistemic dimension of faith in bringing about this life through the path of pure servitude, whereas Āyatullāh Javādī Āmulī in *Tasnīm*, while building upon Sadrian principles, insists on its "intuitive-managerial" dimensions and the strategic role of piety as a deadlock-breaking factor in various domains of life. In both views, "faith" is introduced as the foundation and root, "righteous deeds" as the actualizing arm, and "piety" as the condition for the stability and preservation of this sacred life. The outcome of this spiritual trinity is the establishment of absolute tranquility and existential contentment under the shade of divine proximity, which presents a comprehensive model of a monotheistic lifestyle in the face of the spiritual crises of contemporary humanity.

Cite this article: Last Name, Initial., Last Name, Initial., & Last Name, Initial. (2024). Title of paper in lower case letters (except for initial letter of first word, initial of first word after a colon, and proper nouns). *Theology Journal*, X(X), X- X. http//doi.org/0000000000000000000

© The Author(s). Publisher: Al-Mustafa International University.
DOI: http//doi.org/0000000000000000000

Pre-final, unedited, and pre-publication version

پژوهشنامه کلام
شاپا برخط: ۰۶۶۷-۲۷۸۳ شاپا چاپی: ۵۳۲۵-۲۴۷۶
Homepage: pke.journals.miu.ac.ir

تحلیل تطبیقی مولفه‌های ایمان، عمل صالح و تقوا در تحقق حیات طیبه در قرآن با تکیه بر تفسیر المیزان و تسنیم

https://doi.org/10.22034/pke.2026.24924.2137

فاطمه یوسفی‌پور ۱ محمد قاسمی(نویسنده مسئول) ۲ نفیسه نوید ۳

۱ دانشجوی دکتری علوم قرآن و حدیث، واحد تهران شمال، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران
. Ph.D. Student in Qur'anic Studies and Hadith, Tehran North Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran.
https://orcid.org/0009-0006-1109-4243
۲ استادیار گروه علوم قرآن و حدیث، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران شمال، ایران. (نویسنده مسئول) dr.gasemi92@iau.ir
https://orcid.org/0009-0003-5172-0892
۳ استادیار، دانشکده الهیات و معارف اسلامی، گروه قرآن و حدیث، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران شمال، ایران
n_navid@iau-tnb.ac.ir .
https://orcid.org/0009-0000-1486-3163

Pre-final, unedited and pre-proof version

اطلاعات مقاله

نوع مقاله:
مقالهٔ پژوهشی

تاریخ دریافت:
تاریخ بازنگری:
تاریخ پذیرش:
تاریخ انتشار:

کلیدواژه‌ها:
حیات طیبه،
ایمان،
تقوا،
عمل صالح،
المیزان،
تسنیم

چکیده

مفهوم «حیات طیبه» به عنوان الگوی غایی و مطلوب زندگی قرآنی، که در گرو تبیین دقیق مؤلفه‌های سازنده آن در متن قرآن کریم است، همواره کانون توجه مفسران، به‌ویژه حکیمان و مفسران معاصر شیعه بوده است. این پژوهش با هدف واکاوی تطبیقی نقش مؤلفه‌های بنیادین «ایمان»، «عمل صالح» و «تقوا» در تحقق حیات طیبه، به بررسی و تحلیل آرای دو مفسر برجسته، علامه طباطبایی در "تفسیر المیزان" و آیت‌الله جوادی آملی در "تفسیر تسنیم" می‌پردازد. روش تحقیق در این مقاله، تطبیقی–تحلیلی است که با ابزار کتابخانه‌ای انجام شده است. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که در هر دو تفسیر، حیات طیبه صرفاً یک استعاره اخلاقی یا پاداش نسیه برای جهانِ پس از مرگ نیست، بلکه یک «حقیقتِ عینی و واقعیت هستی‌شناختی» و حیاتی نوین است که در همین دنیا بر روح مؤمن افاضه می‌شود. علامه طباطبایی در "المیزان" بر جنبه‌های تکوینی و بعد معرفتی ایمان در ایجاد این حیات از مسیر عبودیت محض تأکید دارد؛ در حالی که آیت‌الله جوادی آملی در "تسنیم"، ضمن ابتنا بر مبانی صدرایی، بر ابعاد «شهودی–مدیریتی» آن و نقش راهبردی تقوا به عنوان عامل بن‌بست‌شکنی در

ساحت‌های مختلف زندگی پافشاری می‌کند. در هر دو دیدگاه، «ایمان» به منزله زیربنا و ریشه، «عمل صالح» به مثابه بازوی فعلیت‌بخش و «تقوا» به عنوان شرط پایداری و صیانت از این حیات قدسی معرفی شده‌اند. برآیند این تثلیث معنوی، استقرار آرامش مطلق و رضایت مندی وجودی در سایه قرب الهی است که الگویی جامع از سبک زندگی توحیدی را در برابر بحران‌های معنوی انسان معاصر قرار می‌دهد.

استناد: نام خانوادگی، نام؛ نام خانوادگی، نام؛ و نام خانوادگی، نام (۱۴۰۴). عنوان مقاله. پژوهشنامه کلام، ۱۲ (۲۳)، ۲۰-۱. https://doi.org/00000000000000000

ناشر: جامعه المصطفی العالمیه.
© نویسنده(گان).

مقدمه

قرآن کریم در تبیین ابعاد وجودی انسان، حیات حقیقی را به زیست مادی محدود نمی‌داند، بلکه از مرتبه‌ای متعالی به نام «حیات طیبه» سخن می‌گوید که در پرتو ایمان و عمل صالح تحقق می‌یابد. خداوند در آیه ۹۷ سوره نحل می‌فرماید: «مَنْ عَمِلَ صَالِحًا مِّن ذَكَرٍ أَوْ أُنثَى وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَلَنُحْيِيَنَّهُ حَيَاةً طَيِّبَةً وَلَنَجْزِيَنَّهُمْ أَجْرَهُم بِأَحْسَنِ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ»؛ «هر کس از مرد یا زن که عمل صالح انجام دهد، در حالی که مؤمن باشد، قطعاً او را به حیاتی پاک و پاکیزه زنده می‌گردانیم و پاداش آنان را مطابق با بهترین اعمالی که انجام می‌دادند، به ایشان خواهیم داد» (نحل/۹۷). آیه شریفه، تحقق حیات طیبه را با پیوند ایمان و عمل صالح مرتبط می‌سازد و ازاین‌رو، تبیین نسبت میان این دو مؤلفه و عوامل مؤثر در تحقق و استمرار آن، از مباحث مهم مطالعات قرآنی است. در این میان، «تقوا» نیز به‌عنوان یکی از مفاهیم بنیادین قرآن، در ارتباط با ایمان و عمل صالح، می‌تواند در تحقق و صیانت از حیات طیبه نقش مهمی داشته باشد.

با وجود پژوهش‌های متعدد درباره حیات طیبه، ایمان و عمل صالح، این مفاهیم در بسیاری از مطالعات به‌صورت مستقل بررسی شده‌اند و ارتباط نظام‌مند آن‌ها با یکدیگر و نقش متقابلشان در تحقق حیات طیبه کمتر مورد توجه قرار گرفته است. بررسی دیدگاه مفسران در این زمینه می‌تواند ابعاد این ارتباط را روشن‌تر سازد. در این راستا، تفسیر «المیزان» اثر علامه طباطبایی و «تسنیم» اثر آیت‌الله جوادی آملی، به دلیل بهره‌گیری از مبانی قرآنی، عقلی و روایی، ظرفیت مناسبی برای مطالعه تطبیقی این مسئله دارند. مرور پژوهش‌های پیشین نیز نشان می‌دهد که حیات طیبه از ابعاد گوناگون مورد بررسی قرار گرفته است. نبوی (۱۳۹۶) در رساله «ماهیت و مؤلفه‌های حیات طیبه از منظر قرآن»، با تمرکز بر آیه ۹۷ سوره نحل، به استخراج و دسته‌بندی مؤلفه‌های مرتبط با حیات طیبه پرداخته و فخرالدین (۱۴۰۰) در رساله «حیات طیبه از دیدگاه المیزان»، مفهوم و آثار آن را بر اساس این تفسیر بررسی کرده است. همچنین در برخی پژوهش‌ها، حیات طیبه در ارتباط با قرآن و نهج‌البلاغه، سبک زندگی اسلامی، مراحل و عوامل دستیابی

به آن و دیدگاه علامه طباطبایی مورد توجه قرار گرفته است. با وجود این مطالعات، بررسی تطبیقی و نظام‌مند ایمان، عمل صالح و تقوا و تبیین ارتباط و نقش هر یک از این مؤلفه‌ها در تحقق حیات طیبه، با تکیه بر تفاسیر المیزان و تسنیم، کمتر مورد توجه قرار گرفته است. بر این اساس، نوآوری پژوهش حاضر صرفاً در بررسی سه مؤلفه ایمان، عمل صالح و تقوا نیست؛ بلکه در تحلیل پیوند و کارکرد متقابل این مؤلفه‌ها در قالب یک مجموعه به هم پیوسته با تحقق حیات طیبه و مقایسه تطبیقی آن در دو تفسیر المیزان و تسنیم است. پژوهش حاضر می‌کوشد روشن سازد که این دو مفسر، جایگاه هر یک از این مؤلفه‌ها را چگونه تبیین کرده و چه نسبتی میان آن‌ها و تحقق حیات طیبه برقرار می‌کنند. از رهگذر این مقایسه، وجوه اشتراک و افتراق دو دیدگاه و ظرفیت‌های تفسیری آن‌ها در تبیین چگونگی تحقق حیات طیبه آشکار می‌شود.

بر این مبنا، پرسش اصلی پژوهش این است که ایمان، عمل صالح و تقوا در تفاسیر المیزان و تسنیم چه جایگاهی در تحقق حیات طیبه دارند و نسبت میان این سه مؤلفه چگونه تبیین شده است؟

مفهوم‌شناسی

برای درک چیستی حیات طیبه ابتدا دو واژه "حیات" و" طیبه "مفهوم شناسی می شوند.

۱- مفهوم لغوی و اصطلاحی حیات طیبه

۱-۱- مفهوم لغوی و اصطلاحی حیات طیبه

حیات اسم مصدر از ریشه حی و به معنای زندگانی و زنده شدن است که در مقابل آن مَوتو مَمات (مردن) به کار می رود. گفته راغب در مفردات «حیات» در معانی مختلفی به کار می رود حیات نباتی (زندگی گیاهان) حیات حسی (زندگی حیوانات) حیات عقلانی (زندگی انسان ها) و حیات به معنی برطرف شدن و غم و اندوه (حیات اخروی و جاودانی) و حیاتی که به عنوان یکی از اوصاف الهی ذکر می شود. در مقائیس اللغه برای حیات دو معنی اصلی ذکر می کند. یکی حیات در مقابل مرگ و دیگری حیات نقطه مقابل وقاحت و بی شرمی است. بعضی معتقدند هر دو معنی به یک ریشه باز می گردد چرا که شخصی حیا و شرم دارد خود را از ضعف و ناتوانی نگه میدارد و به سوی خیر و پاکی حرکت میکند. در قرآن کریم واژه حیات ۷۶ بار به کار رفته است. طیبه یا طیب به معنای پاک و پاکیزه و آن چیزی است که انسان به طور طبیعی به آن تمایل دارد در مقابل خبیث و ناپاک که انسان از آن متنفر است. (ابن منظور ،۱۴۱۴، جلد ۱،۵۶۱). واژه «طیّب» به معنای نیکو شدن و دلچسب و طبع پسند شدن است. «طَابَ الشَّیءُ طَیباً»، یعنی دلچسب و طبع پسند شد. به گفته راغب، اصل طیّب آن است که حواسّ و نفس از آن لذّت میبرد. (مفردات الفاظ القرآن، ۵۲۷). در مقابل طیب، خبیث قرار دارد که انسان از آن متنفر است. (لسان العرب، ج ۱،۵۶۳) بنابراین، طیب به هر چیزی که پسندیده و به دور از آلودگی ظاهری و باطنی است و نفس بدان تمایل دارد، اطلاق می گردد. بر این اساس حیات طیبه در لغت به معنای زندگی پاکیزه و خالص از هر گونه آلودگی است.

۱-۲- معنی اصطلاحی حیات طیبه

«حیات» در اصطلاح، نیرویی است که موجب بروز حس و تحرک در موجود زنده می شود و موجودات با آن خود را از نقص به کمال می رسانند. «طیبه» در اصطلاح، هر چیزی که دارای نوعی نیکویی و خیر و خوش آیندی و فضیلت باشد. علامه طباطبایی در اصطلاح، حیات طیبه را چنین تعریف می کند: در جمله «... فَلَنُحْيِيَنَّهُ حَيَاةً طَيِّبَةً» حیات، به معنای جان بخشیدن به چیزی و افاضه حیات به آن است. پس لفظ این جمله باصراحت دلالت دارد بر اینکه خدای تعالی مؤمنی را که عمل صالح کند، به حیات جدیدی غیر آن حیاتی که به دیگران نیز داده زنده می کند و مقصود این نیست که حیاتش را تغییر می دهد مثال حیات خبیث او را مبدل به حیات طیبی می کند اصل حیات همان حیات عمومی باشد و صفتش را تغییر دهد؛ زیرا اگر مقصود این بود، کافی بود که بفرماید: «ما حیات او را طیب می کنیم»؛ ولی این طور نفرمود، بلکه فرمود: ما او را به حیاتی طیب زنده می سازیم. (طباطبایی،المیزان، ۱۳۷۴ ش، جلد ۱۲، ص۴۹۴)

حیات طیبه حیاتی برخوردار از نورانیت و ایمان و احسان به خلق، تعامل با دیگران، حیاتی سرشار از معنویت همراه با قناعت و پرهیز از افراط و تفریط؛ حیاتی به دور از غفلت، سهو و نسیان و توجه به ابعاد مادی و معنوی در زندگی اسلامی که هدف آن رستگاری و فلاح و نجاح است.

۲- مفهوم لغوی و اصطلاحی ایمان

۲-۱ -مفهوم لغوی ایمان

واژه ایمان از ریشه امن گرفته شده است که فعل ثلاثی مجرد آن «أَمِنَ يَأْمَنُ أَمْناً» به معنای آرامش و اطمینان قلب و نبود ترس است. فعل ثلاثی مزید آن «آمن یومن و ایمانا» است که اگر متعدی به با و لام باشد به اتفاق اهل لغت به معنای تصدیق کردن است. (فراهیدی، العین، ج۸، ص۳۸۸). همچنین واژه ایمان در قرآن به معنی روی آوردن و گرویدن، قول داشتن، باور کردن و تصدیق قلبی به کار رفته است. (خرمشاهی ،۱۳۷۷، ۳۳۴)

۲-۲- مفهوم اصطلاحی ایمان

بر حسب اعتبارات مختلفی که اندیشمندان مسلمان برای تعیین معنای دینی آن در نظر می گیرند معنای اصطلاحی ایمان متفاوت است. در روایتی از پیامبر اکرم (ص) آمده است: ایمان عبارت است از معرفت قلبی، اقرار زبانی و عمل به ارکان. لذا عده ای از متکلمان اسالمی حقیقت ایمان را عبارت از مجموع معرفت قلبی و اقرار زبانی و عمل به جوارح دانسته اند. گروهی از متکلمان معتقدند که ایمان همان تصدیق قلبی است که اقرار زبانی بیانگر آن و عمل صالح ثمره آن به شمار می آید.در نظر اهل سنت ایمان را تصدیق قلبی به خدا و رسول آنچه او از جانب خدا آورده است میدانند اما شیعه علاوه بر متعلقات یاد شده امامت ائمه علیهم السلام را نیز در دایره متعلقات ایمان قرار می دهد.

۳ - مفهوم لغوی و اصطلاحی عمل صالح

ابتدا معنای عمل را بررسی می کنیم:

شرطونی از واژه شناسان برجسته معاصر معتقد است عمل به کاری اطلاق میشود که از روی عقل و فکر انجام شود پس لاجرم با عمل، آگاهی همراه است. اما فعل عامتر از آن است. (شرطونی۱۴۰۳ق، ۲۴۴)،

راغب در مفردات در تعریف واژه عمل می گوید عمل هر فعلی است که حیوان از قصد انجام می دهد و اخص از فعل است زیرا فعل بعضاً در مورد جمادات نیز به کار می رود. (راغب اصفهانی،۳۵۱) با توجه به تعریف عمل واضح است که عمل صالح باید از روی قصد و علم انجام شود اکنون به معنی لغوی صالح می پردازیم:

۳-۱- مفهوم لغوی عمل صالح

صالح از ریشه صلاح است راغب اصفهانی در معنای لغوی این واژه می نویسد صلاح ضد فساد است و این دو در بیشتر موارد در خصوص افعال به کار می رود در قرآن کریم گاه در مقابل فساد و گاه در مقابل «سیئه» به کار رفته است. (راغب اصفهانی،۱۹۹۸،۲۸۹ به نقل از عابدی،۱۳۹۶). صاحب کتاب التحقیق فی کلمات القرآن در این باره می گوید: معنای ریشه ای و اصلی این واژه، سلامت از فساد و تباهی است. صلاح ضد فساد است. صلاح درباره ذات، رأی یا عمل به کار می رود؛ اما بیشتر در عمل کاربرد دارد. (مصطفوی،۱۳۶۰ش، ص ۳۰۷). اعمال صالح اعمالی هست که به واسطه مطابقت آن با شریعت محمدی موجب خشنودی خداوند متعال می شود. (ابن کثیر، ۱۴۰۱ ق، ج ،۳ ص ۱۴۰)

بهترین متضاد معنایی عمل صالح در قرآن فسق است زیرا فسق همان گونه که راغب در مفردات بیان کرده به معنای خروج از اطاعت و اوامر الهی است و کسی که به احکام شریعت ملتزم نیست فاسق گفته می شود. (راغب اصفهانی، ۳۸۲)

۳-۲- مفهوم اصطلاحی عمل صالح

عمل صالح عملی است که در شرایط مختلف به صلاح بوده و نیکو باشد، به این معنا که هرکاری در سر جای خودش و در زمان و مکان آن انجام شود. عملی است که هیچ عیب وآفتی در آن نیست و از آثار نیک آن چیزی کاسته نشده است و شایستگی پذیرفته شدن را دارد. برخی از مصادیق عمل صالح عبارتند از: اطاعت از خدا ،انفاق، ادای واجبات و ترک محرمات،کسب علم و دانش، عبادت و هر کاری که سبب پیشرفت جامعه شود. میگویند عمل صالح میوه درخت ایمان و زاییده آن است. (مکارم شیرازی، پیام قرآن، ۱۳۸۶ ش، ج ۶، ص۱۵۳)

در متون دینی عمل صالح در کنار ایمان به خدا شرط سعادت انسان معرفی شده است در آن مومنانی را که عمل صالح انجام میدهند بهترین مخلوقات خدا توصیف کرده است بعضی از ویژگی های عمل صالح را میتوان بیان کرد: زندگی پاکیزه، کسب محبوبیت، نورانیت، مبدل شدن سیئات به حسنات، ارتقاء و رشد معنوی اثرات عمل صالح و انگیزه الهی است. عمل وقتی صالح است که همراه با قصد قربت باشد حتی کار ظاهراً خیر اگر برای خود نمایی باشد، صالح نیست. (امام خمینی (ره)، چهل حدیث) عمل صالح سبب قرب معنوی شناخته شده است. درجات عالی بهشت به مؤمنانی وعده داده شده که عمل صالح انجام داده‌اند.قرآن تمام انسان‌ها به جز مؤمنانی که عمل صالح انجام می‌دهند را در خُسران (زیان) می‌بیند. (والعصر/۳).

٤- مفهوم لغوی و اصطلاحی تقوا

۴-۱- مفهوم لغوی تقوا

تقوا در اصل از ماده «وَقی، وقایه» به معنای پرهیز کردن، حفظ کردن و قرار دادن خویش در پناهگاه است. (راغب اصفهانی، مفردات فی غریب القرآن، ج۱، ص ۸۸۱) در کتاب های لغت معانی مانند خوف، تواضع، ترس، پرهیزکاری، اجتناب، خودنگهداری و خویشتن داری برای تقوا بیان شده است اما آنچه بیش از هر معنی دیگردرهنگام استعمال این کلمه به ذهن نزدیک است معنی پرهیزکاری و نگهداری نفس از گناه است. ایزوتسو می گوید: ابتدایی ترین معنای کلمه تقوا به کاربرد آن در میان عرب پیش از اسلام برمی گردد؛ فعل "اتقی" در زبان آنان لزوماً معنای دینی و اخلاقی نداشته و در زمینه ای عرفی به این معنا بوده که شخص میان خود و چیزی که از آن می ترسد، حایل و مانعی مادی قرار دهد تا از گزند آن حفظ شود. (ایزوتسو، ۱۳۶۱،۳۰۵) در قاموس قرآن برای واژه تقوا چندین وجه ذکر شده که عبارتند از:

۱- ترسیدن و هراس داشتن. (حج/۱)

۲- پرستیدن (نحل/۲)

۳- عدم سرپیچی و نافرمانی (اعراف/۹۶)

۴- موحد شدن (نساء/۱۳۱)

۵- اخلاص (حج/۳۲)

۶- اطاعت و عبادت (آل‌عمران/۱۰۲)

۷- پاک کردن دل از گناهان (نور/۵۲)

۸- ایمان (فتح/۲۶)

۹- توبه (اعراف/۹۴)

۱۰- محفوظ داشتن و نگاه داشتن (بقره/۲۰۱)

۱۱- تقیه کردن و ترسیدن (آل عمران/۲۸)

۴-۲- مفهوم اصطلاحی تقوا

تقوا در اصطلاح، ملکه نفسانی است که انسان را از معصیت و نافرمانی خداوند باز میدارد و سبب پرهیز و اجتناب از محارم می شود. معنای اصطلاحی تقوا در این سخن امام صادق علیه‌السلام خلاصه می شود: «...اَن لایفْقِدَک اللهُ حیْثُ اَمرَک و لایَراک حیثُ نَهاک» (بحارالأنوار، ج۶۷،ص۲۸۵) (تقوا یعنی) آنجا که خداوند دستور داده حاضر باشی، تو را غایب نبیند و آنجا که نهی کرده، تو را مشاهده نکند.

تقوا در اصطلاح شرع یعنی نگهداری نفس از چیزی که موجب گناه شده و گرفتار خشم غضب الهی می شود و برای دستیابی به تقوا و رهایی از غضب الهی باید از منهیات پرهیز کرده و به واجبات عمل شود. (رضایی، ۱۳۸۷،۳۲)

مولفه های مورد بررسی:

ایمان و نقش آن در سبک زندگی حیات طیبه

۱-۱- دیدگاه علامه طباطبایی (ره) در تفسیر المیزان: ایمان عبارت است از جای گیر شدن اعتقاد در قلب،که به شخص با ایمان، به کسی که به درستی و راستی و پاکی وی اعتقاد پیدا کرده، امنیت می دهد، یعنی آن چنان دلگرمی و اطمینان می دهد که هرگز در اعتقاد خودش دچار شک و تردید نمی شود،

چون آفت اعتقاد و ضد آن شک و تردید است.ایمان معنایی است که دارای مراتب بسیاری است، چون اذعان و اعتقاد گاهی به خود چیزی پیدا می شود و تنها اثر وجود آن چیز بر آن اعتقاد مترتب می شود و گاهی از این شدیدتر است، به طوری که به پاره ای لوازم آن نیز متعلق می گردد و گاهی از این نیز شدیدتر می شود و به همه لوازم آن متعلق می شود. (المیزان، ج ۱، صص ۷۳-۷۲) علامه طباطبایی با تکیه بر مبانی فلسفی- تفسیری خود تعاریف گوناگونی برای ایمان بیان کرده است که به دوگونه دیگر اشاره می شود.

۱- تعریفی که بیانگر مقدمات ایمان مانند اعتقاد باطنی و اقرار و التزام به مقتضای آن باشد. (المیزان، ج ۸، ص ۴۱۵- ۴۱۱)

۲- تعاریفی که به متعلقات ایمان اشاره دارد مانند ایمان به خدا به معنای تصدیق یگانگی او و پیامبران الهی و روز رستاخیز و باور قلبی به فرستاده الهی بودن رسول. (المیزان، ج۶، ص ۶)

همچنین نقطه مقابل ایمان، کفر است و بیشتر عناد و پوشاندن حقیقت است نه ناآگاهی.

جمع بندی

۱- ایمان حالت و گرایش قلبی است که از علم و تصدیق قلبی به حقیقت ناشی می شود.

۲- ایمان چیزی فراتر از دانستن است، یعنی التزام قلبی نسبت به آنچه انسان را حق یافته است.

۳ -عمل جزء حقیقت ایمان نیست، ولی ایمان بدون عمل کامل نیست و ممکن است تضعیف شود و یا از بین برود.

۴- ایمان یک امر تشکیکی است، یعنی دارای درجات و شدت و ضعف است.

«بنابراین می توان گفت که در تفسیر المیزان، حقیقت ایمان به خدا و روز جزا تنها ملاک کار و سبب احترام و سعادت و راه دستیابی به حیات طیبه است که در نتیجه آن زندگی انسان معنا و جهت الهی می یابد. مومنان در بعد فردی و اجتماعی دارای ویژگی‌های برجسته ای هستند که در شکوفا شدن حیات طیبه نقش مهمی دارند.»

عمل صالح و نقش آن در سبک زندگی حیات طیبه دیدگاه علامه طباطبایی در تفسیر المیزان

عمل صالح عملی است که شایسته قبولی باشد و مهر تلاش بندگی وانجام عمل فقط به خاطر خدای کریم برآن خورده باشد.عمل صالح تمام اعمال خیر، مانند عبادات، انفاق، عدل، برآوردن نیازهای برادر دینی و مانند آن را شامل می‌شود. علامه طباطبایی در ذیل آیه: إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ سَيَجْعَلُ لَهُمُ الرَّحْمَنُ وُدًّا. (مریم/۹۶) ترجمه: قطعاً کسانی که ایمان آورده و کارهای شایسته انجام داده‌اند به زودی خداوند برای آنان [در دلها] محبتی قرار خواهد داد. می فرماید: کلمه «ودّ» و مودت به معنای محبت است و در این آیه شریفه وعده جمیلی از خدای تعالی آمده که به زودی برای کسانی که ایمان آورده و عمل صالح انجام می‌دهند، مودتی در دلها قرار می دهد ... (المیزان، ترجمه موسوی همدانی، محمدباقر، ج ،۱۴ ص ۱۵۴)

خداوند به مومنان صالح وعده های ارزشمندی را عنایت کرده است، از جمله آن وعده ها، جانشینی بر روی زمین، حیات طیّبه و قرار گرفتن محبت و مودت انسان در قلوب مردم است. در آیه: وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ كَمَا اسْتَخْلَفَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ وَلَيُمَكِّنَنَّ لَهُمْ دِينَهُمُ الَّذِي ارْتَضَى لَهُمْ وَلَيُبَدِّلَنَّهُمْ مِنْ بَعْدِ خَوْفِهِمْ أَمْنًا يَعْبُدُونَنِي لَا يُشْرِكُونَ بِي شَيْئًا وَمَنْ كَفَرَ بَعْدَ ذَلِكَ فَأُولَئِكَ هُمُ الْفَاسِقُونَ. (نور/ ۵۵)ترجمه آیه: خدا به کسانی از شما که ایمان آورده و کارهای شایسته انجام داده اند، وعده داده است که حتماً آنان را در زمین جانشین [دیگران] کند، همان گونه که پیشینیان آنان را جانشین [دیگران] کرد، و قطعاً دینشان را که برای آنان پسندیده به سودشان استوار و محکم نماید، و یقیناً ترس و بیمشان را تبدیل به امنیت کند، [تا جایی که] فقط مرا بپرستند [و] هیچ چیزی راشریک من نگیرند. و آنان که پس از این نعمت های ویژه ناسپاسی ورزند [درحقیقت] فاسق اند.علامه با استناد به سیاق آیه و سیاق آیات ذیل آن، در رابطه با آیه می فرماید: در نتیجه این آیه وعده جمیل و زیبایی است که برای مومنین که عمل صالح هم دارند، به آنان وعده می دهد که به زودی جامعه صالحی مخصوص به خودشان برایشان درست می کند و زمین را در اختیارشان می گذارد و دینشان را در زمین متمکن می سازد و امنیت را جایگزین ترسی که داشتند می‌کند، امنیتی که دیگر از منافقین وکید آنان و از کفار و جلوگیری های آنان بیمی نداشته باشند، خدای را آزادانه عبادت کنند و چیزی را شریک او قرار ندهند. (المیزان، ج ۱۵، ص۲۰۹)

در تفسیر آیه إِلَيْهِ يَصْعَدُ الْكَلِمُ الطَّيِّبُ وَالْعَمَلُ الصَّالِحُ يَرْفَعُهُ (فاطر/۱۰) آمده است: مراد از کلمه طیب، اعتقادات حقه ای است که انسان با پذیرش آنها و التزام عملی به لوازم آنها به سعادت می رسد و صعود کلمه الطیب به معنای تقرب جستن به خداوند متعال است. عمل صالح زمینه صعود اعتقاد صحیح را فراهم می کند و هر چه عمل صالح بیشتر شود اعتقاد انسان راسخ تر می گردد. (المیزان، ج۱۷،ص۲۳)

جمع بندی

۱- عمل صالح، رفتار شایسته ای است که نه تنها صورت زیبا داشته بلکه سیرت نیکو، ایمان و انگیزه الهی نیز لازم دارد.

۲- عمل صالح ثمره حقیقی ایمان است و باعث تقویت و کمال ایمان است.

۳- عمل صالح متناسب با نظام حق و مطابق با فطرت و شریعت و فقط به خاطر خدای کریم انجام گرفته است.

۴- عمل صالح در تکامل روح انسان نقش آفرین است ولی بدون ایمان تاثیر حقیقی ندارد.

«با توجه به تفسیر المیزان، حیات، به معنای جان بخشیدن به چیزی و افاضه حیات به آن است، بنابراین خدای تعالی، مومنی را که عمل صالح انجام دهد، به حیات جدیدی غیر آن حیاتی که به دیگران نیز داده، زنده می‌کند و با توجه به آیه (نحل/۹۷) و (نور/۵۵) هر که ایمان به خدا و معاد داشته باشد، چه مرد باشد، چه زن در صورتی که عمل صالح داشته باشد در دنیا از حیات طیبه برخوردار خواهد شد و در آخرت بهتر از آنچه کرده پاداش می گیرد.»

تقوا و نقش آن در سبک زندگی حیات طیبه دیدگاه علامه طباطبایی در تفسیر المیزان

تقوا یک نیروی بازدارنده ای است که به صورت یک ملکه نفسانی و نیروی درونی در وجود انسان به وجود می آید و او را در برابر طغیان وشهوات و ارتکاب کارهای خلاف حفظ می‌کند. علامه طباطبایی (ره) در تفسیر المیزان تقوای الهی را چنین تعریف کرده است: تقوا عبارت است از امتثال اوامر خدای تعالی و اجتناب از آنچه که از ارتکاب آن نهی فرموده و شکر در برابر نعمت هایش و صبر در هنگام ابتلا به بلایش. (المیزان، ج ۳، ص ۵۶۹). در جلد ۱۴ صفحه ۵۸ در تعریف تقوا می گوید: تقوا به معنای ورع و پرهیز از حرام های خدا و اجتناب از ارتکاب گناهان است وصف زیبایی است که هر انسانی آن را نفی کند، از چشم مردمان می افتد و بر همه کس گران است که برنداشتن آن اعتراف ورزند. حقیقت تقوا و احتراز از غضب الهی خدای تعالی، امری است قائم به دل و قلب که منظور از دل و قلب، همان نفس است. پس تقوا قائم به اعمال حرکات و سکنات بدنی نیست، چون برای انها اطاعت و معصیت یکسان است. (المیزان، ج ۱۴،ص۵۵۶)

در قرآن خداوند می فرماید: يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ حَقَّ تُقَاتِهِ وَلَا تَمُوتُنَّ إِلَّا وَأَنْتُمْ مُسْلِمُونَ. (آل عمران/۱۰۲).ترجمه: ای اهل ایمان، از خدا آن گونه که شایسته پروای از اوست، پروا کنید و نمیرید مگر در جایی که [در برابر او و فرمان ها و احکامش] تسلیم باشید. علامه در ذیل این آیه می فرماید: وقتی تقوای از خدای سبحان می شود که احتراز و اجتناب از عذاب او باشد و همچنان که خداوند می فرماید: «فاتقوا النار التی و قودها الناس و الحجاره» و چنین تقوایی وقتی محقق می شود که طبق خواسته و رضای او رفتار شود.

پس تقوا عبارت شد از امتثال اوامر خدای تعالی و اجتناب از آنچه از ارتکاب آن نهی فرمود. حق التقوی غرض و مقصد نهایی است و آن تقوایی است که مشوب با باطل و فاسدی از سنخ خودش نباشد. قهراً حق التقوی عبارت از عبودیت خالص، عبودیتی که مخلوط با انانیت و غفلت نباشد .به عبارت ساده تر، پرستش خدای تعالی بدون اینکه مخلوط باشد با پرستش هوای خویش وبا غفلت از مقام ربوبی و چنین پرستشی عبارت است از اطاعت بدون معصیت و شکر بدون کفران و یا دائمی بدون فراموشی و این حالت همان اسلام حقیقی است البته درجه عالی از اسلام، بنابراین برگشت معنای جمله (ولا تموتّنَ اِلّا و انتم مسلمون) همانند این است که فرموده باشد این حالت را یعنی حق التقوی را همچنان حفظ کنید تا مرگتان فرا رسد. و این معنا غیر از آن معنایی است که از آیه فَاتَّقُوا اللَّهَ مَا اسْتَطَعْتُمْ (تغابن/۱۶) استفاده می شود. زیرا برگشت آیه۱۶ سوره تغابن به آن می ماند که گفته شود و تقوی را در آنچه قدرت دارید از دست ندهید چیزی که هست این استطاعت و قدرت بر حسب اختلاف قوای اشخاص و فهم، همت آن مختلف می شود. آیه فَاتَّقُوا اللَّهَ مَا اسْتَطَعْتُمْ می تواند شامل حال همه مراتب تقوا بشود و هر کس می تواند در خور قدرت و فهم خوداین دستور را امتثال بکند. این آیه وسیله ای است برای اینکه خطاب عمومی شود نظیر مساله اهتداء به صراط مستقیم که در عین اینکه تمام پس بلندی است که به جز افرادی انگشت شمار به آن نمی رسند مع ذلک خدای تعالی عموم بشر را به رساندن خویش به آن مقام دعوت کرده است.در نتیجه از دو آیه فوق یعنی آیه (اتقوالله حق تقاته...) و آیه (فَاتَّقُوا اللَّهَ مَا اسْتَطَعْتُم...)

چنین استفاده می شود که نخست خدای تعالی همه مردم را به حق التقوی دعوت نموده و سپس دستور داده که در این مسیر قرار بگیرند و برای رسیدن به این مقصد تلاش کنند و هر کس هر قدر توانایی دارد صرف بکند. نتیجه این دو دعوت این می شود که همه مردم در صراط تقوا قرار بگیرند منتهی مراحل و منازل آنها مختلف بوده و هر کس به اندازه فهم و توفیقی که خدا نصیبش کرده، استفاده می کند. (المیزان، ج ۶، ص ۲۷۹-۲۷۷)

جمع بندی

۱- تقوای خدای سبحان عبارت شد از اینکه خدای تعالی اطاعت بشود و معصیت نشود و بنده او در همه احوال برای او خاضع گردد و چه اینکه او نعمتش بدهد و چه اینکه ندهد.

۲- تقوا یک حالت روحی و ملکه اخلاقی است که هر گاه این ملکه در انسان ایجاد شود قدرتی پیدا می کند که می تواند از گناه پرهیز کند اگرچه گناه بر او عرضه شود.

۳- دین اسلام چگونه زیستن و چگونه مردن را به انسانها آموزش می دهد.

«بنابراین با توجه به تفسیر المیزان، تقوا یک امر معنوی است که به قلب و درون انسان برمی‌گردد و انسان متقی در پی کسب رضای الهی است در نتیجه از دام شیطان رهایی یافته و برخوردار از ولایت الهی و حیات طیبه خواهد شد.»

ایمان و نقش آن در سبک زندگی حیات طیبه دیدگاه آیت الله جوادی املی در تفسیر تسنیم

ایمان به عنوان یکی از بنیادی ترین مفاهیم در زندگی انسان است.ماهیت ایمان شامل جزئیات عمیق و چند بعدی است که براساس تجربیات درونی فرد و ارتباطش با حقیقت الهی شکل می گیرد. در واقع ایمان به عنوان «رسوخ یک عقیده و گزاره حصولی در قلب» است. این نکته به طور واضح نشان می دهد که ایمان فراتر از یک دلیل منطقی یا عقلی است و نیازمند تلاش درونی برای نفوذ این عقیده در سطح وجودی فرد می باشد، به عبارتی دیگر، ایمان تنها یک اعتقاد ظاهری نیست بلکه باید به حدی عمیق شود که در جان، روح و قلب آدمی جا گیرد و بر اعمال و رفتار اوتاثیر بگذارد. (تسنیم، جوادی آملی، ۱۳۹۲، ج۲، ص۱۵۶). جوادی آملی معتقد است که برای دستیابی به ایمان حقیقی، انسان باید در صراط مستقیم قرارگیرد. این صراط در قرآن کریم به عنوان حقیقت ایمان و الگویی برای زندگی معرفی می شود. طبق نظر او انسان باید حرکت جدی در مسیر ایمان را آغاز کند و صفات مومنان را در وجود خود عملی کند. به عبارت دیگر، ایمان نیازمند تلاش و عمل است. نه صرفاً اعتقاد ذهنی. به عنوان یک نتیجه گیری مهم ایمانی که در وجود فرد شکل می گیرد پیوندی عمیق با نفس او دارد. در این حالت فرد باید دستورات کلی دین را فرا گیرد و با عمل به آنها، این ایمان را در خود نهادینه کند. پس از این مراحل، فرد به تدین و ایمان واقعی موصوف می شود. (نقش ایمان در معنای زندگی نزد جوادی آملی و سورن کرکگارد، ص۱۳). بنابراین در واقع ایمان درختی است که ریشه آن شناخت خدا و پیامبر اکرم و پیشوایان دین و معاد است و به دنبال آن بر زبان ظهور پیدا می کند و ثمره این شجره طیبه انجام وظایف الهی است، بنابراین کسانی که در انجام وظایف کوتاهی می کنند ایمانشان ناقص است و از دو

حال خارج نیست: یا گرفتار ضعف ایمانند و یا هوا و هوس چنان بر آنها غالب شده که از تجلی ایمان در عمل پیش گیری می کند.

جمع بندی

۱- ایمان باور عمیق قلبی همراه با اطمینان است که بر پایه معرفت یقینی بنا شده است.

۲- ایمان ریشه در معرفت دارد. به همین دلیل جوادی آملی ایمان را برآمده از عقلانیت می‌داند.

۳- ایمان بدون عمل مانند درختی بدون میوه است، ممکن است باقی بماند، ولی ناقص و آسیب پذیر است.

۴- ایمان یک حقیقت وجودی و تکاملی است و انسان را به قرب الهی نزدیک می کند.

۵- ایمان باید ضرورتاً راهی برای برقراری ارتباط با حقیقت الهی و دسترسی به کمال انسانی باشد.

«با توجه به آیه اللَّهُ وَلِيُّ الَّذِينَ آمَنُوا يُخْرِجُهُمْ مِنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ (بقره/۲۵۷) معیار حیات طیبه، ایمان است به بیان دیگر با ایمان می توان به حیات طیبه وارد شد وبا بالا رفتن ایمان، درجات ناب تری از حیات طیبه نصیب انسان می شود.»

عمل صالح و نقش آن در سبک زندگی حیات طیبه دیدگاه آیت الله جوادی آملی در تفسیر تسنیم

در قرآن کریم هر جا سخن از بهشت است، ایمان با عمل صالح همراه است اما برای جهنمی شدن، گناه کافی است زیرا گناه با جهنم رابطه تنگاتنگ دارد، چه گناهکار کافر باشد و یا مؤمن. در قرآن عملی صالح است که مطابق شریعت باشد و حسن فعلی آن همراه حسن فاعلی باشد.آیت‌الله جوادی آملی در تفسیر: إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ إِنَّا لَا نُضِيعُ أَجْرَ مَنْ أَحْسَنَ عَمَلًا (کهف/۳۰) می فرماید: بهشت با ایمان و عمل صالح به دست می آید، از این رو حسن فاعلی یا حسن فعلی، هیچ یک به تنهایی بس نیست. همچنین ایشان معتقد است هر عملی که وحی الهی یا عقل سلیم و فطرت سالم به آن فرمان دهد یا آن را نهی کرده باشد، عمل صالح است. (تسنیم، ج ۵، ص ۶۸) عمل صالح نسبت به سایر اعمال خیر، انسان را آماده تر می کند و برای مشاهده معارف الهی گوش و چشم را بازتر می کند اما عمل طالح و گناه دو کار می کند علاقه نسبت به اعمال صالح را کم می کند و دست شخص نسبت به گناهان بازتر می کند و دیگر اینکه چرکی است روی صفحه دل، آیینه دل را چرکین می کند و این آیینه دیگر چیزی را نشان نمی دهد. كَلَّا بَلْ رَانَ عَلَى قُلُوبِهِمْ مَا كَانُوا يَكْسِبُونَ (مطففین/۱۴) (این همان چرک است). (درس تفسیر سوره مبارکه احزاب، ۷/۲/۱۳۹۲). در ذیل آیه ۶۲ سوره بقره آیت الله جوادی آملی می فرماید: آنچه که در تعیین سعادت سهم موثر دارد، ایمان به مبدأ و معاد است و عمل صالح. عملی راهم قرآن صالح می داند که برابر با وحی باشد و کسی که به دستور وحی عمل می کند یقیناً به صاحب وحی معتقد است. پس مسئله مبدأ و معاد و نبوت تامین شد و عمل صالح هم در کنارش مطرح است، آنگاه این زمینه سعادت را فراهم می کند. إِلَيْهِ يَصْعَدُ الْكَلِمُ الطَّيِّبُ وَالْعَمَلُ الصَّالِحُ يَرْفَعُهُ (فاطر/۱۰) سخنان پاکیزه به سوی او بالا

می رود و کار شایسته به آن رفعت می بخشد. این آیه به ترتیب گویای حسن فعلی و حسن فاعلی برای صعود و عروج انسان است. (تسنیم، ج ۶۷، ص ۲۳۱)

جمع بندی

۱- عمل صالح عملی است که مطابق شریعت باشد.

۲- در عمل صالح حسن فاعلی همراه حسن فعلی است.

۳- عمل صالح عملی است که وحی الهی یا عقل سلیم و فطرت سالم به آن امر و یا نهی می‌کند.

۴- عمل صالح زمینه رسیدن به مراتب بالای ایمان را فراهم می کند.

«لذا حیات طیبه از ایمان و عمل صالح شروع می شود و از ربوبیت عبور می‌کند و به شاکر خداوند بودن و صبر در برابر تمام دستورات او می رسد. با توجه به آیه (نحل/۹۷) رکن مهم تشکیل و تداوم حیات طیبه، عمل صالح است، لیکن کافی نیست بلکه شرط ایمان نیز لازم است.»

تقوا و نقش آن در سبک زندگی حیات طیبه -دیدگاه آیت الله جوادی آملی در تفسیر تسنیم

تقوا صفت بسیار پربار و کیمیای سعادت است هر چه بخواهیم در تقوا موجود است. عالی‌ترین صفت انبیا و اولیای خدا تقواست و حتی زیربنای رسیدن به مراتب توحید را هم تقوا دانسته اند.اگر انسان در مسیر اراده خدا قرار بگیرد، از تقوا برخوردار خواهد شد. آیت الله جوادی آملی ریشه تقوا را از «وقایه» به معنی حفاظت، نگهبانی و صیانت می داند. بنابراین تقوا «ترک گناه» به عنوان یک رفتار نیست، بلکه حالت دفاعی و مراقبتی درونی است که انسان را از هر گونه آسیب و فساد حفظ می کند. (تسنیم، ج ۱، ص۳۳۸)

آیه مشهور(طلاق /۳-۲) وعده می دهد: وَمَنْ يَتَّقِ اللَّهَ يَجْعَلْ لَهُ مَخْرَجًا...

تقوا عامل گشایش در مشکلات و رزق غیرمنتظره است. در تفسیر تسنیم تصریح شده است که مخرج یعنی راهی که جزء با امداد الهی حاصل نمی شود و قرآن «رزق غیرمحسوب» را هم رزق مادی می داند و هم رزق معنوی مانند آرامش، علم و نفوذ کلام. (تسنیم، ج ۷، ص ۴۴۴). آیه إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَاكُمْ (حجرات/۱۳) معیار کرامت انسان، نژاد، ثروت و قدرت نیست بلکه تقوا می باشد. در تفسیر تسنیم آمده است کرامت یعنی ارزش وجودی واقعی انسان که با تقوا به دست می آید. (تسنیم، ج ۱۲، ص۳۶۰)

در ذیل آیه (طه/۱۳۲) در تفسیر تسنیم آمده است: «وَأْمُرْ أَهْلَكَ بِالصَّلَاةِ وَاصْطَبِرْ عَلَيْهَا لَا نَسْأَلُكَ رِزْقًا نَحْنُ نَرْزُقُكَ وَالْعَاقِبَةُ لِلتَّقْوَى». (طه/۱۳۲).

ترجمه آیه: و خانواده ات را به نماز فرمان بده و خود نیز بر آن شکیبایی ورز؛ از تو رزقی نمی‌طلبیم، ما به تو روزی می دهیم و عاقبت نیک برای پرهیزکاری است. در هر حادثه ای پیش از اینکه پرونده آن بسته شود، خدا اعلام می کند که این پرونده به سود متقیّان بسته می‌شود و «العاقبه للتقوی» و آن عاقبت اساسی و نیک که در قیامت است، آنجا مشخص می‌شود.

سِرّ موفقیت تقوا این است:

۱- ساختار خلقت حق است. (انعام۷۴) و باطل در آن راه ندارد. (ص/۲۷) آیه: «هُوَ الَّذِی خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ بِالْحَقِّ وَیَوْمَ یَقُولُ کُنْ فَیَکُونُ قَوْلُهُ الْحَقُّ وَلَهُ الْمُلْکُ یَوْمَ یُنْفَخُ فِی الصُّورِ عَالِمُ الْغَیْبِ وَالشَّهَادَةِ وَهُوَ الْحَکِیمُ الْخَبِیرُ» (انعام/۷۴) آیه: «وَمَا خَلَقْنَا السَّمَاءَ وَالْأَرْضَ وَمَا بَیْنَهُمَا بَاطِلًا ذَلِکَ ظَنُّ الَّذِینَ کَفَرُوا فَوَیْلٌ لِلَّذِینَ کَفَرُوا مِنَالنَّارِ» (ص/۲۷)

۲- خدای سبحان که نظام و راه هستی را حق مدار آفرید، در مرحله بقا نیز آن را حق مدار اداره می‌کند.

۳- باطل که هم با اصل ساختار آفرینش مباین است و هم از رسیدن هر موجود به هدف خودکه حق است جلوگیری می کند، مغزکوب شده و از هر گونه قیام و اقدام ضد مقصد حق وسیله نیل به آن مخذول خواهد شد. (انبیاء/۱۸) آیه: «بَلْ نَقْذِفُ بِالْحَقِّ عَلَى الْبَاطِلِ فَیَدْمَغُهُ فَإِذَا هُوَ زَاهِقٌ وَلَکُمُ الْوَیْلُ مِمَّا تَصِفُونَ».

۴- بر این پایه، در هر رخداد تاریخی، تقوا که حق مداراست، ثمره بخش خواهد بود. (تسنیم، ج۵۵، ص۵۳۰)

جمع بندی

۱- تقوا حالت دفاعی و مراقبتی درونی است که انسان را از هر گونه آسیب و گزندی حفظ می کند.

۲- تقوا قابلیت و ظرفیت دریافت هدایت را ایجاد می کند.

۳- تقوا عامل گشایش در مشکلات زندگی و رزق غیرمحسوب است.

۴- عاقبت اساسی و نیک در قیامت از آنِ متقیان است.

«شنیدن، عقل وشهود راه های کسب معرفت الهی هستند که مهمترین راه رسیدن به این مقاصد سه گانه تقوا است که برجسته ترین تقوا، کنترل هوای نفس است. (جوادی آملی، درس اخلاق، ۱۳۸۸) بنابراین بدون تقوا رسیدن به هیچ مقامی امکان ندارد زیرا تا زمانی که نفس آلوده به گناه است و شیرینی لذت های نفسانی در کام اوست، به حیات طیبه ای که هدف آفرینش شمرده می‌شود دست نمی یابد.»

نتیجه‌گیری و یافته‌های پژوهش

پژوهش حاضر با هدف تحلیل تطبیقی مؤلفه‌های «ایمان»، «عمل صالح» و «تقوا» در تحقق «حیات طیبه» از منظر دو مفسر بزرگ معاصر، علامه طباطبایی در "المیزان" و آیت‌الله جوادی آملی در "تفسیر تسنیم" انجام شد. نتایج حاصل از این واکاوی تطبیقی به شرح زیر تبیین می‌گردد:

۱. ماهیت هستی‌شناختی حیات طیبه:برخلاف برخی تفاسیر کلاسیک که حیات طیبه را صرفاً به «رزق حلال» یا «پاداش اخروی» فروکاسته‌اند، هر دو مفسر (المیزان و تسنیم) با استناد به آیه ۹۷ سوره نحل (**فَلَنُحْیِیَنَّهُ حَیَاةً طَیِّبَةً**)، بر این باورند که حیات طیبه یک «واقعیتِ عینی و نقد» در همین دنیاست. این حیات، نه یک صفت برای زندگی فعلی، بلکه یک «خلق جدید» و افاضه‌ی روحی نوین از سوی پروردگار است که بر کالبد مؤمنِ نیکوکار دمیده می‌شود.

۲. تثلیثِ تکوینی (ایمان، عمل، تقوا):تحلیل تطبیقی نشان داد که این سه مؤلفه در یک رابطه «سیستمی» عمل می‌کنند:- ایمان: به مثابه «شرطِ قابلیت» و زیربنای وجودی است. - عمل صالح: به مثابه «بازوی اجرایی» و فعلیت‌بخشِ ایمان است. طبق آیه ۱۰ سوره فاطر، عمل صالح بالِ صعود ایمان است. - تقوا: به مثابه «سیستم صیانتی و بصیرت‌افزا» عمل می‌کند.

از این منظر، نوآوری پژوهش حاضر در آن است که «حیات طیبه» را نه صرفاً به‌عنوان یک مفهوم ناظر به سعادت اخروی و یا مجموعه‌ای از فضایل اخلاقی، بلکه به‌مثابه یک فرایند منسجم و قابل تحقق در زندگی انسان مورد تحلیل قرار می‌دهد؛ فرایندی که از ایمان و «عمل صالح» آغاز می‌شود، در پرتو عمل صالح به فعلیت می‌رسد و با تقوا استمرار و عمق می‌یابد. بر این اساس، از دیدگاه نویسنده، حیات طیبه را می‌توان حاصلِ پیوند و هم‌افزایی میان تحول درونی انسان و کنش صالح او در عرصه زندگی دانست؛ به‌گونه‌ای که ایمان، جهت‌دهنده، عمل صالح، نمود عینی و تقوا، عامل صیانت و استمرار این مسیر است. بنابراین، حیات طیبه در نگاه قرآن، صرفاً «وضعیتی مطلوب» نیست، بلکه «مسیر و سبک زندگی» ای است که انسان را از حیات طبیعی و غریزی به سوی حیات آگاهانه، کرامت‌محور و الهی ارتقا می‌دهد.

تحلیل تطبیقی نهایی

وجوه اشتراک و افتراق دیدگاه دو مفسر بزرگ قرآن علامه طباطبائی (مفسرالمیزان)وآیت الله جوادی آملی (مفسر تسنیم):

الف–اشتراک

۱– هر دو مفسر معتقدند که "حیات طیبه "یک پدیده انزواطلبانه نیست. وقتی انسان ها به ایمان و عمل صالح روی می آورند، خداوند به آن ها "امنیت"و"اقتدار" (خلافت) می بخشد. هر دو بزرگوار بر این باورند که حیات طیبه یعنی رسیدن به جایگاهی که در آن هیچ ترسی (خوف) جز از خدا وجود ندارد.(نور/۵۵) همچنین این آیه نشان می‌دهد که ثمره ایمان و عمل صالح در دنیای درون انسان باقی نمی ماند، بلکه به جامعه نیز سرایت می‌کند.

۲– نقطه اشتراک برجسته هر دو مفسر در این است که تقوا برگرفته از آیات (آل‌عمران/۱۰۲) و (تغابن/۱۶) را نه یک مانع و محدودیت، بلکه "بسترامن ساز" برای پرواز انسان به سوی حیات طیبه می دانند و این دو آیه مکمل یکدیگر در مسیر حیات طیبه هستند. لذا حیات طیبه یک نردبان است که پله‌های آن از "تقوادر حد توان"شروع می شود و به "حق تقوا" یعنی بندگی خالصانه می رسد و این نشان دهنده پویایی "حیات طیبه "در هر دو تفسیر است.

ب– افتراق

آیات سوره فاطر (آیه ۱۰) و حجرات (آیه ۱۳) در واقع «موتور محرک» و «ترازوی سنجش» در حیات طیبه هستند. این آیه (فاطر/۱۰) یکی از کلیدی‌ترین آیات برای تبیینِ رابطه «ایمان» و «عمل» است: «إِلَيْهِ يَصْعَدُ الْكَلِمُ الطَّيِّبُ وَالْعَمَلُ الصَّالِحُ يَرْفَعُهُ...» (سخن پاک [ایمان] به سوی او بالا می‌رود و عمل صالح آن را بالا می‌برد).

– در نگاه المیزان : علامه طباطبایی معتقدند «کلم طیب» همان عقیده حق و ایمان به خداست. از نظر ایشان، آنچه به سوی خدا صعود می‌کند و به مقام قرب می‌رسد، همان ایمان است؛ اما عمل صالح مانند بال یا مرکبی است که این ایمان را با خود به بالا می‌برد. در واقع حیات طیبه بدون عمل صالح، توانِ صعود و رشد ندارد. علامه تأکید دارد که عمل، خدمتکارِ ایمان است و به آن ثبات می‌بخشد.

– در نگاه تسنیم : آیت‌الله جوادی آملی با نگاهی عمیق‌تر می‌فرمایند: عمل صالح فقط بالِ پرواز نیست، بلکه عمل صالح باعث می‌شود که «شخصِ مؤمن» خودش بالا برود. ایشان معتقدند در حیات طیبه، عمل صالح باعثِ «توسعه وجودی» انسان می‌شود. یعنی هر چقدر عمل صالح بیشتر شود، ظرفیتِ ایمانِ فرد هم بزرگتر می‌شود. در واقع، عمل صالح، ایمان را از حالت ذهنی خارج کرده و به یک حقیقتِ زنده در وجود انسان تبدیل می‌کند.

آیه ۱۳ سوره حجرات: ترازوی ارزش‌گذاری در حیات طیبه است. این آیه معیارِ برتری را معرفی می‌کند: «إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَاكُمْ» (گرامی‌ترین شما نزد خدا با تقواترین شماست).

– در نگاه المیزان (نفی ارزش‌های پوشالی): علامه طباطبایی از این آیه برای تبیین این نکته استفاده می‌کنند که در رسیدن به «حیات طیبه»، تمامِ امتیازات مادی (نژاد، ثروت، قبیله) بی‌ارزش هستند. ایشان معتقدند تقوا تنها ملاکِ واقعی برای سنجش کمال انسان است. از نظر علامه، حیات طیبه یعنی عبور از ارزش‌های اعتباری و رسیدن به ارزش‌های واقعی که همان تقواست.

– در نگاه تسنیم آیت‌الله جوادی آملی بر واژه «اکرم» (گرامی‌ترین) مانور می‌دهند. ایشان می‌فرمایند تقوا فقط یک دستور اخلاقی نیست، بلکه «جوهره‌ی کرامت» انسان است. در حیات طیبه، انسان به مرتبه‌ای از روح می‌رسد که دیگر تحت تأثیر پستی‌ها و رذایل قرار نمی‌گیرد. ایشان معتقدند حیات طیبه یعنی «زندگیِ کریمانه» و این کرامت فقط و فقط از مسیر تقوا عبور می‌کند.

با تأمل در آیه ۱۰ سوره فاطر به عنوان "فرمول رشد"و آیه ۱۳ سوره حجرات به عنوان"استاندارد کیفیت"، پیوند عمیقی میان "حرکت" و "ارزش" در حیات طیبه آشکار می‌شود. آیه سوره فاطر تبیین می‌کند که ایمان برای صعود به مراتب عالی، نیازمندِ عمل صالح است (جنبه حرکتی)؛ و آیه سوره حجرات روشن می‌سازد که معیارِ این صعود و برتری، تنها در گروِ تقوا است (جنبه ارزشی).

تطبیق دیدگاه‌های المیزان و تسنیم نشان می‌دهد که اگرچه علامه طباطبایی بیشتر بر نقشِ ابزاری عمل برای تثبیت ایمان تأکید دارد، اما آیت‌الله جوادی آملی بر تأثیر عمل در ساختارِ وجودیِ انسان و رسیدن به مقام کرامت پافشاری می‌کند. در هر دو نگاه، حیات طیبه فرآیندی است که در آن انسان با بال‌های "ایمان و عمل" و با قطب‌نمای "تقوا" به سوی قرب الهی حرکت می‌کند.»

در نهایت، یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد که حیات طیبه در اندیشه‌ی هر دو مفسر، نه یک پاداشِ معلّق به آینده، بلکه یک "سبک زندگیِ برتر" در جهان کنونی است. اگرچه علامه طباطبایی با رویکردی منسجم، بیشتر بر نظمِ تشریعی و عینی این حیات (به ویژه در ساحت جامعه) دیده می‌دوزد و حضرت آیت‌الله جوادی آملی با نگاهی متعالی، بر تحولِ تکوینی و اشتدادِ وجودیِ فرد تأکید می‌ورزد، اما هر دو مفسر در این نقطه تلاقی دارند که "حیات طیبه" تنها از مسیر عبودیتِ آگاهانه والتزام عملی به

تقوا می‌گذرد. لذا می‌توان نتیجه گرفت که حیات طیبه، محصولِ هماهنگیِ لایه‌های درونی (ایمان) و لایه‌های بیرونی (عمل و تقوا) است که منجر به کرامت انسانی و امنیت پایدارِ فردی و اجتماعی می‌گردد.

Pre-final, unedited, and pre-proofreading version

منابع

قرآن کریم

نهج البلاغه

۱.ابن فارس،احمد، معجم المقاییس اللغه،هارون عبدالسلام محمد، قم،مکتب الاعلام الاسلامی، چاپ اول، ۱۴۰۴ق.

۲.ابن منظور، محمد بن مکرم،لسان العرب،نشر دار صادر،بیروت ۱۴۱۴ ه.ق.

۳.ابراهیمی ،اسماعیل،حیات طیبه در قرآن و نهج‌البلاغه ،انتشارات آیین احمد(ص) ۱۳۸۸ش.

۴.الاصفهانی،الراغب،معجم المفردات الفاظ القرآن،تحقیق ندیم مرعشی، موسسه مطبوعاتی اسماعیلیان،۱۳۹۲ه .ق.

۵.آلوسی،محمود، روح المعانی فی تفسیر القران العظیم والسبع المثانی،تحقیق محمد حسین العرب،بیروت،دارالفکر،۱۴۱۷ق۶.امام خمینی، روح الله، چهل حدیث،تهران،موسسه تنظیم ونشر آثار امام خمینی (ره)۱۳۶۸ش

۷.ایزوتسو،توشیهیکو،مفاهیم اخلاقی–دینی در قرآن مجید،ترجمه :فریدون بدره ای تهران،نشر فرزان،چاپ دوم، ۱۳۸۸ش.

۸. تقوایی ،محمد حسین ، کتاب حیات طیبه ،انتشارات فرنام ،۱۴۰۰ش

۹.جوادی آملی،عبدالله، تفسیر موضوعی قرآن کریم (توحید در قران)چاپ اوّل، قم،مرکز نشر اسراء،۱۳۸۳ش.

۱۰.جوادی،آملی، عبدالله، مفاتیح الحیاۀ، قم،مرکز نشر اسراء ،۱۳۹۱ش

۱۱.جوادی آملی، عبدالله، حکمت عبادت ،مرکز نشر اسراء،قم،۱۳۹۱ش

۱۲–حاجی صادقی،عبدالله، مقاله مفهوم شناسی وحقیقت یابی حیات طیبه از منظر قران، ۱۳۹۳ش

۱۳.خرمشاهی،بهاءالدین،دانشنامهٔ قرآنی و قرآن پژوهی،چاپ اول، تهران،انتشارات ناهید و دوستان، ۱۳۸۱ش.

۱۴.رازی،فخرالدین، التفسیر الکبیر(مفاتیح الغیب)،بیروت،دارالفکر،الطبعه الاولی،۱۴۰۱ ه.ق.

۱۵.زندیه ،مهدی،رضایی،صدیقه،مقاله واکاوی حقیقت حیات طیبه ،مراحل و عوامل وصول به آن از دیدگاه علامه طباطبایی ،مجله پژوهش های قرآنی میثاق ،۱۳۹۶ش.

۱۶.سالک تقوی،زینب،پایان نامه کارشناسی ارشد ،دانشگاه ادیان و مذاهب ،حیات طیبه در نهج‌البلاغه ،۱۴۰۰ش.

۱۷.سید رضا،ملیحه السادات، مقاله حیات طیبه در قران وروایات وشاخصه های آن۱۳۹۳ش.

۱۸.شرطونی، سعید، اقرب الموارد فی فصح العربیه والشوارد،بیروت ،مکتب لبنان، ۱۹۹۲م.

۱۹.طهماسبی بلداجی،محمدی نبی کندی،باب الله،مقاله نگرشی قرانی بر رابطه سبک زندگی دینی و حیات طیبه ،نشریه مطالعات قرآنی ،۱۳۹۳ش.

۲۰.علامه طباطبایی، محمد حسین، تفسیر المیزان ،۱۳۷۴ش ،ناشر: دفتر انتشارات اسلامی (وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم اسلامی). ۲۱.فخر الدین،غلام محمد ، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشکده الهیات و معارف اسلامی،دانشگاه الهیات و معارف اسلامی،حیات طیبه در المیزان،۱۴۰۰ش.
۲۲.فراهیدی،خلیل بن احمد،کتاب العین،قم،هجرت،چاپ دوم،۱۴۰۹ ه.ق
۲۳.فرهادیان ،رضا،کتاب حیات طیبه درراستای نهادینه سازی ارزش ها ،انتشارات موسسه بوستان کتاب ،۱۴۰۴ش
۲۴.قرائتی، محسن، تفسیر نور، تهران، مرکز فرهنگی در سرایی از قرآن، ۱۳۸۳ش.
۲۵.الکلینی الرازی،ابی جعفر محمد بن یعقوب،الاصول من الکافی،تصحیح وتعلیق علی اکبر غفاری،دارالکتب الاسلامیه،تهران،چاپ چهارم،۱۳۶۵ش
۲۶.مجلسی،محمد باقر، بحارالانوار، بیروت، لبنان، موسسه الوفاء،الطبعه الثانیه،۱۴۰۳ق.
۲۷.مصطفوی ،حسن،تحقیق فی کلمات القرآن، تهران،وزارت فرهنگ وارشاد اسلامی، ۱۳۶۸ش.
۲۸.مطهّری، مرتضی، مجموعه آثار، تهران، صدرا،۱۳۷۲ش.
۲۹.مظاهری، سیف،حمید رضا، مقاله حیات طیبه ازدید گاه قرآن،نشریه معرفت،۱۳۸۵ش
۳۰.مکارم شیرازی،ناصر،تفسیر نمونه، چاپ دهم،تهران ،دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۷۱ش.
۳۱.میر تاج الدینی ،سید محمد رضا، کتاب به سوی حیات طیبه ،نشر سروش ،۱۴۰۰ش .

Pre-final, unedited, and pre